

سلام دوستان روز به خیر

رشد روانی در انسان



ابعاد رشد

روان شناسان رشد با جنبه های مختلف رشد و تحول کنش های انسان در طول زندگی سروکار دارند. آنها بر سه جنبه از رشد تأکید دارند:

۱. **رشد جسمانی:** تغییرات قد و وزن و کسب مهارت های حرکتی
۲. **رشد شناختی:** تغییرات فرآیندهای تفکر، حافظه و توانایی های زبانی
۳. **رشد اجتماعی و شخصیت:** تغییرات خودپنداره، هویت جنسی و رابطه با دیگران



دو پرسش اساسی در مورد رشد روانی مطرح است:

۱. در تعیین جریان رشد، نحوه ی تعامل زیستی با رویدادهای محیط زندگی کودک چگونه است؟ به عبارتی در رشد کودک **وراثت** (طبیعت) مهم است یا **محیط** (تربیت)؟


۲. آیا رشد را باید فرآیند **تغییر تدریجی و پیوسته** دانست یا فرآیندی متشکل از **سلسله مراحل ناپیوسته** که از نظر کیفی از هم متمایزند؟ (رشد مرحله ای یا رشد غیر مرحله ای)؟



نظریه های موجود در زمینه ی تأثیر وراثت و محیط


در نظریه ی **پیش ساخت گرایی** اعتقاد بر این بود که کودکان، بزرگسالان کوچکی هستند که با دانش و توانایی های لازم بدنیا می آیند و فقط باید بزرگ شوند تا این ویژگی های ذاتی در آنان بروز کنند.

جان لاک فیلسوف قرن هفدهم انگلیس این عقیده ی رایج را به چالش کشید. وی معتقد بود که ذهن کودک یک «**لوح سفید**» است که **تجربه و تعامل** با افراد و محیط، یعنی هر آن چه که کودک می بیند، می شنود، می بوید، می چشد و احساس می کند، بر این لوح درج می شود.




نظریه ی تحولی چارلز داروین که بر بنیاد زیستی رشد انسان تأکید داشت، باعث شد بسیاری از نظریه پردازان بر **وراثت** تأکیدی جدید کنند.

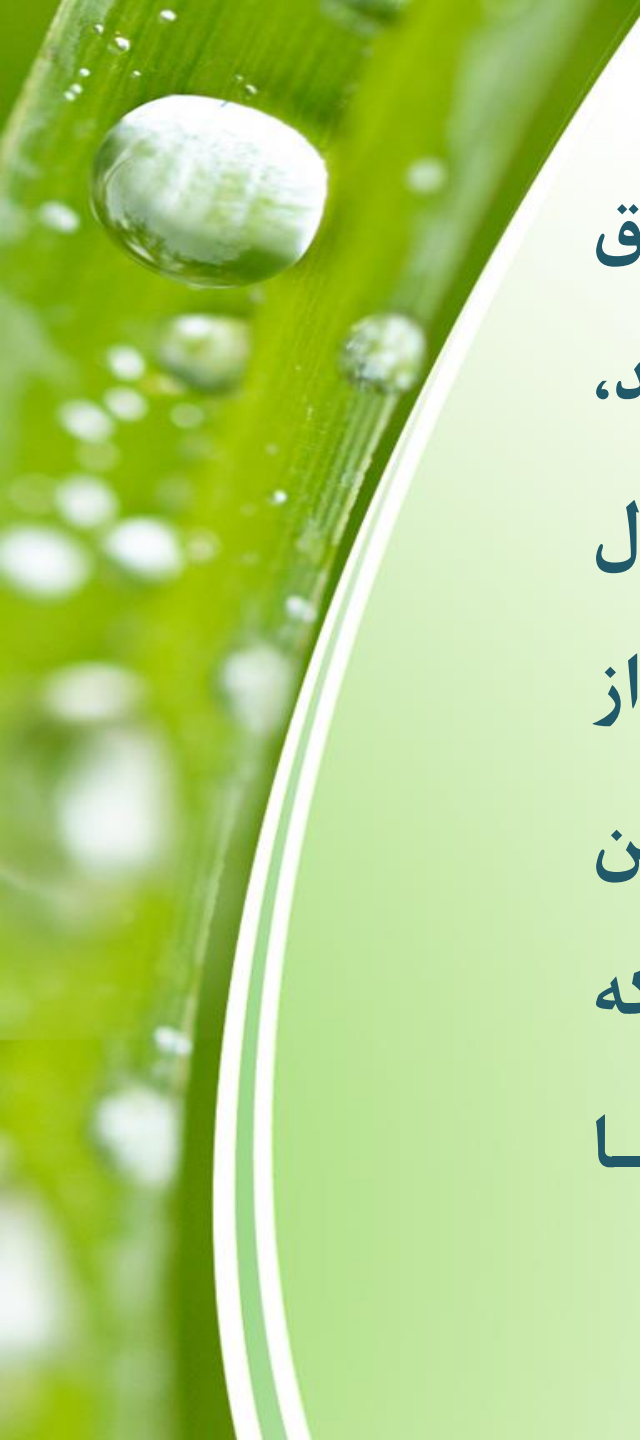
در قرن بیستم با ظهور **رفتارگرایی** مجدداً محیط گرایان مسلط شدند. رفتارگرایانی مانند **واتسون** و **ثرندایک** معتقد بودند طبیعت آدمی کاملاً چکش خور و قابل انعطاف است؛ کودک از بدو تولد به هر شکلی که پرورش یابد در بزرگ سالی به همان شکل درخواهد آمد.



امروزه اغلب روان شناسان نه طبیعت و نه تربیت، هیچ کدام را به تنهایی عامل اصلی رشد نمی دانند، بلکه معتقدند این دو در جهت هدایت رشد دائماً با هم در **تعامل** هستند. رشد بسیاری از صفات شخصیتی مانند اجتماعی بودن و ثبات عاطفی تقریباً به **یک اندازه از وراثت و محیط** اثر می پذیرند.



در واقع نظریه های نوین در زمینه ی عوامل مؤثر
بر رشد تعدیل شده اند. این نظریه ها تغییرات را
به صورت پیوسته و ناپیوسته، با ویژگی های
همگانی و منحصر به فرد و تأثیر متقابل وراثت و
محیط بر یکدیگر در نظر می گیرند.




بسیاری از اشکال رشد که به نظر می رسد مطابق
زمان بندی های زیستی ذاتی صورت می گیرند،
می توانند از وقایع محیطی متأثر شوند. به عنوان مثال
رشد حرکتی و رشد تکلم تقریباً در تمام بچه ها از
توالی و نظم واحدی پیروی می کنند، اما کودکان این
ترتیب و توالی با **سرعت های متفاوتی** طی می کنند که
نشان دهنده ی نقش **تجربه، یادگیری، تمرین** یا
تحریک اضافی در بروز این توانایی هاست.

قابلیت های نوزاد

ویلیام جیمز معتقد بود که نوزاد دنیا را به صورت صحنه ی آشفته ای از صوت و تصویر تجربه می کند. اما اکنون می دانیم که در همان بدو تولد تمام دستگاه های حسی نوزاد فعالند و او کاملاً آماده ی یادگیری محیط جدید خود است.


روان شناسان برای بررسی توانایی های نوزادان به ابداع برخی شیوه های ابتکاری پرداخته اند.



مثلاً محقق ممکن است صوت یا نور چشمک زنی
را ارائه کند و ببیند که ضربان قلب کودک تغییر
می کند یا سرش را برمی گرداند یا خیر. یا این که
پژوهشگر دو محرک همزمان ارائه می کند تا
ببیند آیا کودک به یکی از آنها مدت طولانی تری
نگاه می کند یا نه.

حس بینایی در نوزاد

- نوزادان از **دقت بینایی کمی** برخوردارند. بسیار نزدیک بین هستند و توانایی آنها در تغییر نقطه‌ی تمرکز چشم محدود است. دید کودکان در دو سالگی به خوبی دید بزرگسالان می‌شود.
- نوزادان مجذوب قسمت‌هایی از محیط خود می‌شوند که از **بیشترین تضاد** برخوردارند مثل لبه‌های اشیاء.




➤ نوزادان **طرح های پیچیده** را بر طرح های ساده و طرح های انحنادار را بر طرح های متشکل از خطوط مستقیم ترجیح می دهند.

➤ نوزادان صرفاً مجذوب چهره ی آدمی نمی شوند، بلکه مجذوب **خصوصیات برانگیزنده** از قبیل خط های منحنی، تضاد زیاد، لبه های جالب و حرکت و پیچیدگی می شوند که همه در چهره ی آدمی دیده می شوند.

حس شنوایی در نوزاد

- نوزادان در برابر صدای بلند یکه می خورند و سرشان را به سوی منبع صدا برمی گردانند. این پاسخ در حدود شش هفتگی ناپدید می شود و تا ۳ یا ۴ ماهگی، یعنی شروع مرحله ی جستجوی چشمی منبع صدا (کوشش ارادی) دیده نمی شود.
- در ۴ ماهگی حتی در تاریکی هم دست خود را در جهت منبع صدا حرکت می دهند.



➤ نوزادان صدای انسان را از دیگر صداها تمیز می دهند.
همچنین می توانند **ویژگی های متمایزکننده ی زبان مادر**
خود را بفهمند. نوزاد یک مادر فرانسوی زبان می تواند
صدای ضبط شده ی زنان فرانسوی زبان را از زنان روسی
تشخیص دهد، اما نوزادی که مادر او فرانسوی یا روسی
نباشد، قادر به تمایز این دو زبان نیست.

➤ با رسیدن به ۶ ماهگی کودکان می توانند **لحن تأییدآمیز**
را از **لحن غیر تأییدآمیز** تشخیص دهند.

حس چشایی و بویایی

- نوزاد اندکی پس از تولد می تواند مزه های مختلف را از هم تمیز دهد. او **مایعات شیرین** را بر مایعات شور، تلخ، ترش یا بی مزه ترجیح می دهد.
- نوزدان میان بوهای مختلف نیز تمیز قائل می شوند. وقتی بوی خوشی به مشامشان می رسد سر خود را به طرفش برمی گردانند و ضربان قلب و تنفس شان به نشانه ی توجه به آن کند می شود.

یادگیری و حافظه

➤ نوزادان اندکی پس از تولد می توانند یاد بگیرند و در **سه ماهگی** حافظه ی خوبی دارند. در یک بررسی وقتی شیء متحرکی بالای گهواره ی نوزادان سه ماهه با ریسمانی به دست یا پای آنها بسته شد آنها به سرعت کشف کردند که کدام دست یا پایشان شیء را به حرکت در می آورد.

➤ نوزادان حتی از **تجارب حسی پیش از تولد** در رحم مادر نیز چیزهایی به یاد دارند.